

تاپیسری از گذشته تا امروز

لی لا ثمری

نقل از مجله هنر و مردم (سال اول، شماره اول/ خرداد- تیر 1382)

تاپیسری واژه فرانسوی است و در زبان انگلیسی به آن تاپستری می گویند، و آن به معنای پارچه ای است با بافت ساده (گلیم بافت) که بود آن روی تار را به طور کامل بیوشاند و نقشهای متنوع ایجاد کند.

از سال 1971م، همزمان با پنجمین دوسالانه تاپیسری در " لوزان LA Biennale De Lausanne "، معنای جدیدی برای آن در نظر گرفته شد و تاپیسری به مسنوجاتی گفته شد که ابعاد تجسمی داشته و آنها را به دیوار می آویزند و یا به صورت احجام پیکره مانند در فضا یا روی زمین قرار دهند، و کاربردشان چون تابلو نقاشی یا مجسمه باشد. از دهه 1990م، تاپیسری زیر مجموعه هنر الیاف یا Fiber Art قرار می گیرد و با مفهوم جدیدتری در اغلب نمایشگاههای هنری و آثار هنرمندان کشورهای مختلف در زمینه هنر مفهومی از الیاف بافته شده و یا بافته نشده استفاده می شود.

در تهیه آنها از تکنیک های مختلف نساجی و بافندگی از قبیل قالی بافی، گلیم بافی، جاجیم بافی، ورنی بافی، پارچه بافی، دارایی بافی، کارت بافی، مکرمه بافی 'Macrame'، میل بافی، چاپ سیلک، باتیک، قامکار، نمد مالی، سوزن دوزی، چهل تیکه و غیره می توان استفاده کرد.

نساجی از قدیمترین حرفه ها به شمار می رود که از نظر تکنیک بسیار پیشرفت کرده است. پارچه های زیبا و نفیس بسیاری در جهان تولید شده است، اما { هنر نساجی } را معمولاً با تاپیسری می شناسند که در آن نقشهای پیچیده را با سوزن دوزی بر پارچه یا با گلیم بافی و قالی بافی ایجاد می کنند.

تاپیسری از زمانهای دور به ما رسیده و نمونه هایی از آن در کشورهای مختلف جهان، از گذشته ها، باقی مانده است: آثار به دست آمده از منطقه پازیریک در ایران، قطعه ای مربوط به قرن اول میلادی با نقش صلیب و پلیکان در پرو PEROU، آثار به جا مانده از قطبی ها از قرن دوم تا نهم میلادی در مصر CORTE و تاپیسری های ابریشمین کواسو K'o-Sseus در چین مربوط به دوران سانگ ها (960-1280م)، آثار تاپیسری اروپا مربوط به قرن یازدهم میلادی و سوزن دوزی بایو BAYEUX در فرانسه و تاپیسری سن سرئون SAINT CERÉON در کولونی COLOGNE از آن جمله است.

تاپیسری قرنها با ابعاد بسیار وسیع و با گره گلیم بافته می شده و پوشش گرمی برای دیوار کلیسا ها و کاخها بوده است. اوج شکوفایی آن در اروپا از زمان تاسیس کارگاه گوبلن GOBELIN در پاریس، به سال 1662م، است که نقاشان معروفی چون "نیکلا پوسن NICOLAS POUSSIN (1594-1665م/ نقاش فرانسوی)"، "فرانسوا بوشه FRANSCOIS BOUCHER (1703-1770م/ نقاش فرانسوی)"، "شارل لوبرن CHARLES LE BRUN (1619-1690م/ نقاش فرانسوی)" و "فرانسیسکو گویا FRANCISCO GOYA (1746-1828م/ نقاش اسپانیایی)" طرحهای جالبی به این کارگاه ارائه دادند.

نقاش برای تهیه طرح تاپیسری ابتدا طرح را بر کاغذ طرح یا کارتن Carton شماره گذاری و سپس بافنده از روی کارتن طرح را اجرا می کرد.

این هنر، همچون نقاشیهای بافته شده، قرنها در اروپا، با ضوابط و محدوده های قرار دادی، ادامه یافت و در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، به همت گروهی از هنرمندان نحوه نگرش و تفکر هنر نساجی تغییر کرد و تحولی بنیادی در این هنر صورت گرفت که منجر به رنسانسی در این رشته از هنر تجسمی شد.

سه عامل که در این تحول نقش اساسی را ایفا می کنند، عبارت اند از:

1) نظریه "ویلیام موریس WILLIAM MORRIS (1834-1896م/ هنرمند انگلیسی)" مبنی بر ارزش گذاری دوباره صنایع دستی؛ نظریه ای که نحوه نگرش به صنایع دستی را به کلی دگرگون کرد و در زمینه نساجی کاربرد نخ و بافت را تغییر داد و تاثیر بسزایی بر هنر نساجی اروپای شمالی و مرکزی و حتی ژاپن و ایالات متحد به جا گذاشت. ویلیام موریس و یارانش در انگلستان معتقد به همکاری نزدیک هنرمند و صنعتگر بودند و این تفکر منجر به پیدایش "هنر نو Art Nouveau" در اروپا و آمریکا شد و نحوه نگرش به معماری، صنایع دستی و هنرهای دیگر را تغییر داد.

2) تاسیس مدرسه هنری باهاس (BAUHAUS) (1919-1933م) در آلمان. در این مدرسه هنری نیز بر همکاری هنرمند و صنعتگر تاکید می کردند و معتقد به پیوستگی فرم (هنرمند طراح) و تکنیک (صنعتگر) بودند؛
3) برگزاری نمایشگاههای دوسالانه تاپیسری در لوزان سوئیس، که در پنجمین نمایشگاه دو سالانه تاپیسری به سال 1971م، نکته های زیر درباره تاپیسری نو مطرح شد:

الف) مواد اولیه می تواند از هر نوع لیف نساجی (طبیعی- مصنوعی) یا هر جنس دیگر باشد؛
ب) تکنیک بافت و نحوه بیان آزاد است و هر کس می تواند طبق سلیقه خود ببافد؛
ج) کاربرد تاپیسری نیز آزاد است و می توان از آن به صورت دیوار آویز، مجسمه نرم، جدا کننده فضا در معماری، عنصری از طراحی صحنه و یا فضای بیرونی و محیط زیست استفاده کرد.

تصویر سازی در ایران پس از تسلط اسلام، به منظور از بین بردن ریشه های بت پرستی، منع و بافتن قالی و گلیم تصویری نیز مدتی منسوخ شد. در دوره صفویه هنر تصویری دوباره رونق گرفت و بافتن قالی و گلیم به اندازه قطع کتاب و گاه بزرگتر، برای دیوارکاخها، سر در بازارها و پرده تعزیه خوانها رواج یافت.

منسوجات تصویری بسیار نفیسی از این دوره در موزه های دنیا موجود است که تکنیک های مختلف نساجی چون قالی بافی، گلیم بافی، زری بافی، سوزندوزی و قلمکاری اجرا شده اند و از اوج هنر تاپیسری در ایران حکایت می کنند.

البته کارگاه های گلیم های تصویری دوره صفوی در شهرهای کاشان، تبریز و اصفهان به دلیل نامعلوم، در اواخر قرن هفدهم میلادی، یکباره دست از فعالیت می کشند، ولی نمونه های به دست آمده از گلیم های تصویری مربوط به قرن شانزدهم و هفدهم میلادی موجد آن است که با الیاف ابریشم و گلابتون طلا و نقره بافته شده اند. طرح این گلیم های تصویری از هنرمندان دربار شاه عباس و شاه طهماسب است.

از سال 1335ش بافت تاپیسری یا گلیم های تصویری در کارگاه بافت میراث فرهنگی (اداره کل هنرهای سنتی) آغاز و در حقیقت پس از سه قرن این هنر قدیمی دوباره احیا می شود. در این کارگاه به آن نوع بافت {گوبلن بافی} می گفتند. بافندگان ماهری چون جمشید امینی و لطیف تقدیری به بافت آثار نقاشانی چون کمال الملک و ملک الشعرا صبا همت کردند. از آثار بهرام عالیوندی، جلیل ضیاء پور، منوچهر شیبانی (نقاش معاصر) نیز در این کارگاه بافته شده است.

قالیهای تصویری نیز اهمیت خاصی دارند و بنا به نوشته آقای پرویز تناولی، حدود دو قرن است که این قالی ها را در ایران می بافند و در واقع حاکی از تاثیر نقاشی و عکاسی در کار هنرمندان و دست اندرکاران قالی بافی است. بافت قالیهای تصویری کار آسانی نبود، اما چون بر دیوار خانه ها و مغازه ها نصب می شد بافتن آنها رواج یافت.

موضوعهای مورد علاقه نقاشان برای ارائه طرح عبارت بود از: چهره شخصیتهای تاریخی و مضمون داستانهای حماسی، عشقی، مذهبی و عرفانی. از هنرمندان معاصر که برای این قالیها طرح داده اند، حسام الدین عرب زاده و محمود فرشچیان را می توان نام برد.

در سال 1355ش نمایشگاهی از قالیهای تصویری بافته شده با طرحهای پرویز تناولی به نمایش گذاشته شد که نشانه نوآوری در این هنر بود.

نمونه ای از مضمون داستانهای مذهبی که در سالهای اخیر بافته شده، فرش {ثارالله} است که برادران صفدر زاده آن را از روی طرح محمود فرشچیان در ابعاد 510x360 سانتی متر با 31 میلیون گره در اصفهان بافته اند و تصویری از واقعه عاشورا است. اکنون کارگاههای بسیاری در تهران و شهرستانها به بافت قالیچه های تصویری اختصاص دارند.

در زمینه نمدهای تصویری نیز چند نمایشگاه تاکنون در تهران برپا شده است. نخستین نمایشگاه در سال 1353ش، از آثار مهندس هوشنگ سیحون، در گالری سیحون برگزار شد. در سال 1374 و 1375ش نیز دو نمایشگاه از نمدهای تصویری بهرام دبیری در گالری گلستان برگزار شد. او درباره نمدهای خود می گوید: {نمدهایی که "اندام وار Figuratif" تصویر شده اند بیشتر خصلت تابلو نقاشی را دارند. می خواتم حس تازه ای را در نمود بیدار کنم بی آنکه ساختار بنیادینش یا نگاهش به طبیعت تغییر یابد.}

آثار بهرام دبیری را قدرت الله داروغه هنرمند لر، از اهالی بروجرد، تهیه کرده است. او برای نمود از رنگهای اصلی پشم (پشم خود رنگ) و رنگهای سنتی نمود استفاده کرده است.

از هنرمندانی که در زمینه تکه دوزی های تصویری فعالیت می کنند خانم ماندانا برکشلی را می توان نام برد. او در آثار تاپیسری خود از روشهای پنبه دوزی، تکه دوزی، چاپ سیلک و نقاشی روی پارچه استفاده می کند. آثار او تحت تاثیر مینیاتورهای ایرانی، خطاطی اسلامی و کارهای "اشر ESHER" است و تاپیسری هایش همواره فضاهای مثبت و منفی دیده می شود.

تاکنون دو نمایشگاه نیز از تکه دوزی های تصویری زنده یاد فیروزه صابری در تهران بر پا شده است. آثار خانم صابری تحت تاثیر گبه و قالی بافی های تصویری است.

در سالهای اخیر نمایشگاههای متعددی از آثار نقاشی روی پارچه، چاپ باتیک، چاپ با مهر و چاپ سیلک برگزار شده است. و از فعالان این زمینه هنرمندانی چون ویکتوریا جهانشاهی افشار و آریتا اسفندیاری را می توان نام برد.

نخستین نمایشگاه از تاپیسری های مدرن در خرداد 1371 در گالری گلستان برگزار و تعدادی از آثار شهرزاد غروی در آن به نمایش گذاشته شد.

از تاپیسری های خانم شهرزاد غروی هفت قطعه در هتل کیش (کیش) و یک قطعه با ابعاد 1000x128 سانتی متر در سالن پذیرایی مسافران خارج از کشور، در فرودگاه مهرآباد، بر دیوار نصب شده است. در آثار او، همچون نقاشی هایش، گرایش به رنگهای تند و حجم دیده می شود.

از دیگر هنرمندان تاپیسری مدرن که تاکنون نمایشگاههای متعددی گذاشته اند عاطفه صرافی، نسرين کیهان، فریده شاهوارانی، ندا درزی، زهرا رسول زاده نمین، سارا صادقی و لی لائمری را می توان نام برد.

عاطفه صرافی درباره تاپیسری های خود می گوید: {هدف من تجربه و کشف امکانات فراوان هنر تاپیسری است که با استفاده از آن هنر بافت را ورای برداشت عموم که آن را در قالب قالی و کپوش، بافتنی و پارچه می پندارند، عرضه کنم. در ایران وجود سابقه دیرینه در بافتهای سنتی چون قالی، گلیم، زری و غیره از یک طرف پشتیبان فرهنگی نیرومندی در این زمینه است ولی از طرف دیگر ارائه بعد جدیدی از بافت در مقابل بافت سنتی و شکستن ذهنیتتی که ارزش بافت را فقط قالی می پندارد، احتیاج به ممارست دارد.

در کارهایم حساس بوده ام که از فرم های شناخته شده و تکرار آنچه در گذشته انجام شده استفاده کنم، ولی آنچه در نحوه ارائه آن به گونه ای عمل کرده ام که یادآور نقش پارچه یا نقش قالی نباشد. زیرا که نفس کار نه پارچه است و نه قالی، بنابراین فرم و رنگ و بافت و فضای کار باید نوآوری داشته باشد تا در قالب این کار نو بگنجد.

اکثر تاپیسری های عاطفه صرافی سه بعدی است و این ویژگی، تاپیسری را از سایر بافتهای مسطح متمایز می کند. او درباره انتخاب الیاف می گوید: {ما در زمانی زندگی می کنیم که شهرهایمان پلاستیکی شده اند، برجهای بتنی به جای درختان کاشته می شوند. هویت ما در انحصار رایانه هاست و بوی خوش طبیعت لا به لای بوی دود و بتن و آهن فراموش شده است. الیاف کارهای من عمدتاً الیاف طبیعی است از قبیل پنبه، کنف، ساقه و برگ گیاهان، چوب و نی. انتخاب این مواد جهت یادآوری طبیعت و خلق فضایی آرامش بخش است.

نسرين کیهان از تکنیکهای مختلف پارچه بافی در آثار خود استفاده می کند.

فریده شاهوارانی و ندا درزی نیز تاکنون دو نمایشگاه مشترک در زمینه هنر مفهومی و با استفاده از الیاف برگزار کرده اند. در دومین نمایشگاه هنر مفهومی که در مهر 1381 در محل موزه هنرهای معاصر برگزار شد، تابلوهایی از ایشان با استفاده از الیاف متنوع به نمایش گذاشته شده بود که درباره نقش خال کوبی دستهای زنان جنوب ایران بود و همزمان با آن فیلمی نیز نمایش داده شد. زهرا رسول زاده نمین و سارا صادقی نیز چندین نمایشگاه در سالهای اخیر برگزار کرده اند.

از ویژگیهای آثار لی لائمری، تضاد است. تضاد در انتخاب الیاف، تضاد در بافت، تضاد در رنگ، تضاد در فرم، تضاد در تکنیک الیاف فلزی، بخصوص مس، در تاپیسری های او جایگاه خاصی دارند. او از نقشهای گلیم های سنتی ایران الهام گرفته است و با نگرشی نو و ایجاد دگرگونی در نقشها سعی می کند گذشته را با حال پیوند زند.